

جنگ اینترنتی حکومت اسلامی! بهرام رحمانی

مقدمه

سال نو و فرارسیدن بهار را به همه مردم آزاده، تبریک می‌گویم. امیدوارم سال ۹۰ بر خلاف سال ۸۹، سال پیروزی روشنایی بر تاریکی، دانش و آگاهی و خرد انسانی بر جهل و خرافات و زورگویی و سال جشن و سرور و رفاه و عدالت برای مردم آزاده ایران و جهان باشد.

سال ۱۳۸۹ در ایران، سال تهاجم شدیدتر به آزادی بیان، قلم و اندیشه، سال تشدید سانسور، جمع‌آوری کتاب‌ها، تهدید هر چه پیش‌تر نویسندگان، روزنامه‌نگاران، وبلاگ‌نویسان، دانشجویان، هنرمندان و جنگ با علوم انسانی و اجتماعی در دانشگاه‌ها و عرصه اینترنت و ماهواره بود.

سالی که گذشت، تهدید برخی از نویسندگان و ناشران و ممانعت از فعالیت آن‌ها و سال رکود فرهنگی و تعطیل شدن بعضی از کتابفروشی‌ها بود.

آذر ماه ۸۹، قانون هدف‌مندی یارانه‌ها (حذف سوبسیدهای دولتی) به اجرا درآمد. آن‌گونه که معاون فرهنگی وزارت ارشاد، گفته بود این سیاست، تاثیر چندانی بر وضعیت نشر و افزایش قیمت کتاب‌ها نمی‌گذاشت اما حقیقت، چیز دیگری بود. هدف‌مند کردن یارانه‌ها، علاوه بر تحمیل فقر فزاینده به همه مزدگیران و گرانی کالاهای ضروری مردم در بازار، موجب افزایش قیمت کتاب و پایین آمدن قدرت خرید مردم شد و این عوامل، بر صنعت نشر نیز تاثیر منفی گذاشت.

در چنین شرایطی، ابتدا کتابفروشی نشر نی و پس از آن کتابفروشی‌های ناشرانی چون ثالث، ویستار و آبی هم تعطیل شدند. کتابفروشی‌هایی در خیابان کریمخان، محلی که از دهه ۶۰ تاکنون به پاتوقی برای اهل فرهنگ و علاقه‌مندان کتاب بود، تعطیل گردیدند. صاحبان کتابفروشی‌ها، حذف یارانه‌ها و شدت گرفتن مشکلات اقتصادی و روند دشوار و طولانی صدور مجوز برای کتاب‌هایشان را از جمله دلایل خود برای تعطیلی کسب و کارشان عنوان کرده‌اند.

سال ۸۹، سال زندانی کردن فعالین دانشجویی، کارگری، زنان، وکلا، مادران داغدار و سال درد و رنج و خشم و هم چنین سال اوج‌گیری احکام غیرانسانی اعدام بود. مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، در تازمترین گزارش خود اعلام کرده‌اند که فقط در اسفند ماه سال ۸۹، دست‌کم ۱۳۴۷۹ نقض موردی حقوق بشر در کشور رخ داده و از سوی مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، به ثبت رسیده است.

در طول ماه گذشته، بیش از ۸۹۷۱ مورد نقض حقوق کارگران، ۳۹۲ مورد نقض حقوق دانشجویان، ۲۴۰۸ مورد نقض حقوق فعالین سیاسی و مدنی در حوزه آزادی اندیشه و بیان، ۵۶ مورد صدور، تایید یا اجرای حکم اعدام، ۴۴۸ مورد شکنجه و نقض حقوق

صفحه ۲

اطلاعیه کانون نویسندگان ایران در تبعید بهاران خجسته باد!

جهان یک سال دیگر را پشت سر گذاشت و با رسیدن بهار، زندگی در جسم و جان طبیعت و انسان و جامعه تازه شد.

نوروز، سنت دیرینه مردم جامعه ما، با طلایه‌های شکوفایش از راه می‌رسد و جان ذهنیت هستی اجتماعی را زنده می‌کند تا ما در خویشتن باز نگریم و به روی زندگی بخندیم و نیروی تازه‌ای بیابیم و در برابر هر چه تباهی ست یارای ایستادن‌مان باشد.

نوروز، پیکار نور و تاریکی ست.



سالی که گذشت، تباهی حاکم بر جامعه ما، با تمام توان کوشید تا بار دیگر هر آنچه انسانی و شایسته زندگی‌ست را از مردم بگیرد و به جایش؛ خفقان، سرکوب، زندان و اعدام را حاکم کند.

سال گذشته سال سانسور بی‌دریغ کتاب و نوشته و روزنامه بود و آزادی بیان زیر چکمه‌های دژخیم جمهوری اسلامی لگدمال شد.

سال گذشته، سال در تنگنا قرار دادن معیشت مردم، حذف یارانه‌ها و گرسنه و بی‌کار نگهداشتن توده محروم مردم ایران بود و هر صدائی را که در اعتراض به این اقدام ضدانسانی بلند شد سرکوب کردند.

صفحه ۶

اطلاعیه کانون نویسندگان ایران ۷ ص

اعتراض فرهنگ‌ورزان ترکیه ... ۸ ص

جنگ اینترنتی حکومت اسلامی! بهرام رحمانی

زندانیان سیاسی و عادی در زندان‌ها، ۵۷ مورد بازداشت و نقض حقوق اقلیت‌های ملی، ۸۹ مورد بازداشت و نقض حقوق اقلیت‌های مذهبی را شاهد بوده‌ایم. دستکم ۱۰ مورد توقیف نشریات، ۴ مورد فیلترینگ وبسایت‌های خبری و ۳ مورد اختلال در شبکه اینترنت از جمله مواردی است که در اسفند ماه ۸۹ رخ داده است. در سالی که گذشت، جنگ اینترنتی حکومت اسلامی شدیدتر شد. اما با وجود این همه وحشی‌گری‌ها و سرکوب‌ها و اعدام‌های حکومتی، سال ۸۹، سال اعتراض و خیزش مجدد مردمی به ویژه با حضور فعالانه جوانان دختر و پسر شجاع و نترس بود. با این مقدمه، بحث‌مان را با نگاهی به گوشه‌هایی از تشدید سانسور در دنیای مجازی اینترنت و جنگ اینترنتی حکومت اسلامی ادامه می‌دهیم.

جنگ حکومت اسلامی ایران با اینترنت

حکومت اسلامی ایران، از همان روزهای آغازین عرضه اینترنت در کشور، نگرانی و مخالفت خود را از تنوع آنچه در این دنیای مجازی یافت می‌شود، پنهان نساخته بودند. اما مسئولین و مقامات حکومتی، همواره بیش‌ترین نگرانی خود از سایت‌های «ضد اخلاقی» را به زبان آورده‌اند، در حالی که تحقیقات و بررسی‌ها و هم عملکردهای ارگان‌های سانسور و سرکوب حکومتی، همگی نشان می‌دهند که بسیاری از سایت‌های سیاسی مخالف حکومت و وبلاگ‌ها گرفتار سانسور شده‌اند.

فیلترینگ وبسایت‌ها و وبلاگ‌ها با آغاز دهه هشتاد شروع شد و در اولین فاز برخورد، ظاهراً وبسایت‌هایی با محتوای پورنوگرافی بودند که مشمول فیلتر شدند. مخالفت با فیلترینگ تنها وقتی آغاز شد که برخی از وبسایت‌های سیاسی منتقد حاکمیت نیز مشمول فیلترینگ شدند و بعدتر در دولت سیدمحمدخاتمی، با تصویب «شورای عالی انقلاب فرهنگی» بود که «کمیت تعیین مصادیق فیلترینگ» راه‌اندازی شد. با تاسیس این نهاد، فیلترینگ «هدف مند و برنامه‌ریزی» شده آغاز و برخوردهای شدید با فعالان سایبری نیز شروع شد.

در مهر ماه ۱۳۸۳، عده‌ای از روزنامه‌نگاران و وبلاگ‌نویسان در پروژه‌های امنیتی به فاصله چند روز بازداشت و چند هفته نیز تحت بازجویی و شکنجه قرار گرفتند. این پرونده که به «پرونده وبلاگ‌نویسان» مشهور شد، اولین موج برخورد گسترده و برنامه‌ریزی شده با فعالان در عرصه مجازی بود.

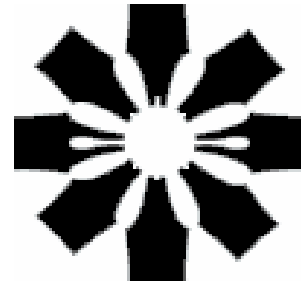
با روی کار آمدن دولت احمدی‌نژاد در سال ۱۳۸۴، سرکوب‌های سیاسی از جمله در عرصه فرهنگی نیز شدیدتر شد. همراه با دستگیری‌های گسترده فعالان فرهنگی، سیاسی و اجتماعی و اعدام‌ها، بستن روزنامه‌ها و سایت‌های اینترنتی نیز بخش دیگری از تعرض حکومت به عرصه آزادی بیان بود؛ نه تنها صد‌ها عنوان کتاب دچار سانسور شدند، بلکه حتی به بسیاری از کتاب‌هایی که در دوره قبل اجازه نشر داده بودند در دوره احمدی‌نژاد، از چاپ و انتشار آن‌ها جلوگیری به عمل آمد.

برای مثال، امید معماریان، یکی از روزنامه‌نگاران و وبلاگ‌نویسانی است که در پرونده موسوم به پرونده وبلاگ‌نویسان بازداشت شده و چهار سال بعد به دوسال و نیم حبس تعزیری و پنجاه ضربه شلاق محکوم شد.

هفدهم آذر ماه ۸۹ نیز شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب اسلامی، حکم عماد بهاور را برای ده سال به محرومیت از فعالیت‌های رسانه‌ای و حتا «هرگونه فعالیت در فضای مجازی» محکوم کرد. هرچند دستگاه قضایی پیش از این در موارد متعددی وبلاگ‌نویس و فعالان اینترنتی را بازداشت و محکوم کرده بود، اما این اولین بار است حکمی صادر می‌شود که به موجب آن، فردی از فعالیت در فضای مجازی به صراحت محروم می‌شود.

فریده غیرت، حقوق‌دان و وکیل عماد بهاور، می‌گوید: «واقعیت این است که حکمی که برای موکل من صادر شده است، حکمی منصفانه نیست. موکل من نه جرمی مرتکب شده و نه اقدامی خلاف انجام داده است، نه در فضای مجازی و نه در دنیای واقعی. خود اصل اتهام ایشان از نظر بنده زیر سؤال است، آنچه هم که جرایم اینترنتی ایشان عنوان شده است همه در وبسایت‌ها در دسترس است و قابل خواندن. می‌توان این مطالب را خواند و دید که نه مصداق اقدام علیه امنیت ملی هستند و نه خلاف شئونات و چارچوب‌های حقوقی حاکمیت. من امیدوارم قضات محترم در دادگاه تجدیدنظر به این مسأله توجه کنند و در تخفیف حکم ده سال زندان و ده سال محرومیت از فعالیت حزبی و رسانه‌ای و فعالیت مجازی عماد بهاور تجدیدنظر کنند.»

براساس آنچه که در «مقررات و ضوابط شبکه‌های اطلاع‌رسانی رایانه‌ای» ایران آمده، کلیه ایجادکنندگان نقطه تماس بین‌المللی از جمله شرکت مخابرات موظفند تا «سیستم پالایش و فیلترینگ مناسب به منظور ممانعت از دسترسی به پایگاه‌های ممنوع «اخلاقی و سیاسی» و حذف ورودی‌های «غیرمطلوب» را فراهم کنند.»



بانگ آخر هر ماه منتشر می‌شود

سر دبیر: بهرام رحمانی

آدرس ایمیل:

bahram-rahmani@ownit.nu

آدرس سایت کانون:

www.iwae.org

چند توضیح:

- بانگ، مطالبی را درج می‌کند که تنها برای این نشریه ارسال شده‌اند.
- مطالب بانگ، با «ورد فارسی» تایپ شوند و بیش‌تر از دو صفحه 4 نباشند.
- مسئولیت مطالبی که در بانگ درج می‌شوند با نویسندگان آن‌هاست.

منشور

کانون نویسندگان ایران (در تبعید)

- ۱- دفاع از آزادی اندیشه و عقیده برای همه افراد و گروه‌های عقیدتی و قومی بدون هیچ حصر و استثناء.
- ۲- هرکس می‌تواند افکار و عقایدی که خود می‌پسندد، داشته باشد و هیچ فرد یا گروه و یا مرجعی مجاز نیست افکار و عقاید خود را بر دیگران تحمیل و یا از ابراز عقیده و برخورد آزادانه افکار و عقاید جلوگیری کند.
- ۳- دفاع از آزادی بیان و نشر، و اشاعه افکار و عقاید و آثار فکری (هنری، فرهنگی، فلسفی و...) با استفاده از کلیه وسایل ممکن.
- ۴- مبارزه با هرگونه تبعیض و استثمار فرهنگی.
- ۵- در استقلال کانون از همه جمعیت‌ها، احزاب و سازمان‌های سیاسی اعم از مستقل یا وابسته به هر نوع نظام حکومتی، کانون ضمن آن که موظف به دفاع از کلیه حقوق و آزادی‌هایی است که با آزادی اندیشه و بیان و نشر و رشد فکری و فرهنگی جامعه ارتباط دارند، نمی‌تواند و نمی‌باید به هیچ شکلی تبدیل به ابزار یا محملی برای فعالیت هیچ جمعیت، حزب یا سازمان سیاسی خاصی شود.
- ۶- همکاری با کلیه کانون‌ها و انجمن‌های مشابهی که بدون داشتن وابستگی به گروه، جمعیت، سازمان یا حزب سیاسی خاص، از آرمان‌های عام آزادی‌های فرهنگی و اجتماعی دفاع می‌کنند...

جنگ اینترنتی... بهرام رحمانی

هر چند که فیلترینگ، مختص به ایران نیست و بسیاری از کشورها در حوزه-هایی خاص آن را به کار می‌بندند. در حالی که کشورهای غربی مثلا از آن، اغلب در زمینه مقابله با «سوءاستفاده جنسی از کودکان» و خرید و فروش مواد مخدر و غیره استفاده می‌کنند، به گفته بسیاری از کارشناسان و محققین بی-طرف، کشورهایی نظیر چین، عربستان و ایران با اعمال فیلترینگ، تلاش می-کنند: «صدای مخالفین و حتی منتقدین» خود را خاموش کنند.

بسیاری از شرکت‌های تولیدکننده برنامه-های امنیتی، تمایل ندارند برنامه‌هایشان را تحت عنوان «سانسور افزار»

(Censorware) معرفی کنند. با توجه به جنبه منفی این عنوان، آن‌ها عناوینی چون فیلترینگ را ترجیح می‌دهند. سانسور افزارها می‌توانند با یافتن کلماتی خاص در یک آدرس اینترنتی، دسترسی به آن سایت را مسدود کنند. یا حتی در نمونه-های پیشرفته‌تر، محتوای سایت‌ها را نیز برای یافتن کلید واژه‌های تعیین‌شده کاوش نمایند.

آدرس‌های اینترنتی وب‌سایت‌های مورد نظر نیز می‌توانند به این برنامه‌ها شناسانده شده و مسدود شوند. حتی نمونه-های خانگی چنین نرم‌افزارهایی امکان فعال کردن «قفل والدین» (Parental Lock) را به پدر و مادران می‌دهد تا مانع دسترسی کودکان به سایت‌های «غیراخلاقی» شوند.

شرکت تحقیقاتی OpenNet، در یکی از گزارشات سال گذشته خود، شرکت آمریکایی Secure Computing، تولیدکننده برنامه‌های امنیت رایانه و شبکه را متهم کرده بود که برنامه سانسور افزار خود موسوم به Smartfilter را در اختیار ایران قرار داده است. این شرکت بعدا با تکذیب فروش این نرم‌افزار، ایران را متهم کرد که به طور غیرقانونی از برنامه Smartfilter استفاده می‌کند.

دیوید بارت، مدیر روابط عمومی شرکت Secure Computing، به بخش فارسی بی‌بی‌سی، گفته است که شرکت‌های «رسا» در ایران، برای اجرای دستور دولت برای فیلترینگ سایت‌ها، برنامه-های مختلفی به کار می‌برند و خیلی از آن‌ها هم از برنامه Smartfilter، متعلق به این شرکت استفاده می‌کنند.

به گفته بارت، «این شرکت‌ها از نسخه آزمایشی برنامه استفاده می‌کنند» که ناقض قوانین این شرکت است. وی می-گوید شرکت متبوعش در حال حاضر با مسدود ساختن امکان پیاده کردن فایل این نسخه آزمایشی برای آی‌پی‌های ایرانی، با

این مساله مقابله می‌کند.

حکومت اسلامی، برای این که بتواند در عرصه اینترنت مساله فیلترینگ را توجیه کند تبلیغات مختلفی راه می‌اندازد. برای مثال، مقامات حکومت اسلامی ایران می-گویند فیلترینگ «وظیفه همه» است.

عبدالمجید ریاضی، دبیر شورای عالی فناوری اطلاعات، چندی پیش در گفتگو با روزنامه «شرق»، فیلترینگ را «اصلی» معرفی کرده که «همه دنیا آن را قبول دارند». در حالی که چنین موضوعی دروغی بیش نبود. چرا که همه جهان فیلترینگ را چون حکومت اسلامی قبول ندارند و مهجرت از همه قوانین و مقرراتی که به ویژه به دولت‌های غربی در عرصه آزادی بیان و قلم و اندیشه تحمیل شده است آن‌ها نمی‌توانند در سطح گسترده و آشکاری از فیلترینگ استفاده کنند.

عبدالمجید ریاضی، سانسور حکومت‌شان را چنین توجیه می‌کند: «در کشور ما به دلیل این که یک کشور اعتقادی و مذهبی است، مردم بحث فیلترینگ را به طور کامل باور دارند. فیلترینگ در کشور ما در درجه اول سایت‌های فساد انگیز را در بر می‌گیرد که اکثریت تمایل به اجرای آن دارند، چرا که جامعه را از تباهی نجات می‌دهد.»

او، تاکید می‌کند: «همه به نوعی موظف هستند جلوی مفسد اخلاقی را بگیرند و این وظیفه هر ایرانی است، همان‌طور که اگر در خیابان فردی با یک صحنه غیراخلاقی روبه‌رو شود، وظیفه دارد جلوی آن را بگیرد، هر چند اگر پلیس هم نباشد.» در اینجا این مسئول حکومت اسلامی، با عوام-فریبی سعی می‌کند سانسور حکومتی را به مردم نیز نسبت دهد.

بدین ترتیب، در حالی که بر اساس یکی از معهود تحقیقات میدانی انجام شده توسط شرکت OpenNet در آخر مرداد ماه سال ۸۹ که تلاش دارد اعمال و کاربرد فیلترینگ در کشورهای مختلف دنیا را شفاف کند، بیش از ۳۰ درصد سایت‌های اینترنتی مورد آزمایش این گروه تحقیقاتی در ایران، مسدود شده بودند.

با این حال دستگاه قضایی حکومت اسلامی، آشکارا نشان داده است که از گسترش اینترنت در کشور وحشت دارد و مساله فیلترینگ را جدی می‌گیرد. در دی ماه سال ۱۳۸۴، سه شرکت خدمات‌دهنده اینترنت در کرج به جرم «عدم رعایت فیلترینگ»، از سوی ستاد مبارزه با جرایم رایانه‌ای کرج و با حکم دادگاه پلمپ شدند.

از آن تاریخ، یک کمیته سه نفره متشکل از نمایندگان صدا و سیما، وزارت ارشاد و وزارت اطلاعات از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی مامور نظارت بر فعالیت‌های اینترنتی است. این گروه با تهیه فهرست سایت‌هایی که باید مسدود شوند، تنها نهاد رسمی مسئول در این زمینه است. بنابراین، در ایران تحت حاکمیت جمهوری

اسلامی، رسانه‌های حکومتی نیز نقش بخشی از وظایف سانسورچیان را هم به عهده دارند.

بارها در خبرها آمده است که قوه قضائیه نیز بر امر فیلترینگ یا اطلاع‌رسانی از طریق اینترنت دخالت کرده و مستقیما دستور مسدود ساختن سایت‌ها را به شرکت-های «رسا» ابلاغ نموده است.

بدین ترتیب، سانسور افزارها به صورت «برنامهریزی» شده یا «هوشمندانه» تصمیم می‌گیرند که چه محتوایی را در دسترس یک رایانه یا شبکه به خصوص قرار دهند. اما هوشمندی این نرم‌افزارها از آغاز توسط متخصصین و گروه‌های هوادار آزادی‌های شخصی و جمعی به چالش گرفته شده است.

سانسور افزارها می‌توانند با یافتن کلماتی خاص در یک آدرس اینترنتی دسترسی به آن سایت را مسدود کنند آزمایش‌های گوناگون نشان داده است که این برنامه‌ها، بسیاری از اوقات دچار خطا شده و کلمات مشابه را به درستی تشخیص نمی‌دهند. برای نمونه، گفته می‌شود در ایران، کلمه «سکس»، به عنوان کلید واژه ممنوعه به این برنامه‌ها داده شده ولی این برنامه‌ها «دانشگاه اسکس» یا «دانشگاه میدلسکس» را نیز ممنوعه به حساب می‌آورند. بسیاری از کارشناسان و محققین در ایران می‌گویند که ناکارآمدی سانسور افزارها، موجب ایجاد اخلاص در مطالعات علمی دانشگاهیان و محققان شده و آن‌ها را از منابع ارزشمند موجود در اینترنت محروم ساخته است.

خطای سانسور افزارها به گفته مدیر روابط عمومی شرکت Secure Computing، به ساختار اینترنت مربوط می‌شود. دیوید بارت، به بی‌بی‌سی، گفته است: «خطا در فیلترینگ سایت‌ها بیش‌تر به خاطر استفاده چند سایت از یک «رایانه سرویس‌دهنده»- (سرور) و با آدرس «آی‌پی» مشابه پیش می‌آید. بستن یک «رایانه سرویس‌دهنده» می‌تواند موجب شود سایت‌های دیگری که از آن استفاده می‌کنند نیز «مسدود گردند.»

بارت، می‌افزاید این خطا قابل اصلاح است و می‌توان با آسانی آن را رفع نمود. حکومت اسلامی ایران، چندی پیش «پروژه فیلترینگ» را به مناقصه گذاشته و ادعا کرده است که با یک‌پارچه کردن سیستم فیلترینگ، مشکلات موجود را برطرف خواهد ساخت. سانسور افزارها هر چند ظاهرا دیوارهایی نفوذناپذیر به نظر می‌آیند اما چندان هم مقاوم نیستند. چرا که کاربران «حرفه‌ای» اینترنت، از همان ابتدای به کارگیری برنامه‌های فیلترینگ، راه‌های عبور یا به زعم خود «مقابله» با آن‌ها را یافته و به سایت‌های دل‌خواه خود دست می-یابند. هرچند که با پیشرفت فن‌آوری سانسور افزارها، عبور از آن‌ها مشکل‌تر شده اما به نظر نمی‌رسد «غیرممکن» شده باشد.

علاوه بر گروه‌های مختلف، چندی پیش «سازمان گزارشگران بدون مرز» که مدافع

جنگ اینترنتی... بهرام رحمانی

حقوق روزنامه‌نگاران در دنیا است راهنمایی برای عبور از فیلترینگ به زبان فارسی منتشر ساخته است. این سازمان، بارها از ایران انتقاد کرده است که روزنامه‌نگاران و وبلاگ‌نویسان را به دلیل انتشار مطالب شان در اینترنت دستگیر یا تهدید کرده است.

راه‌اندازی پلیس سایبری و تجهیز امکانات ساتنور

سال گذشته، سردار احمدی مقدم، فرمانده نیروی انتظامی، با ذکر این نکته که وقوع جرایم اینترنتی در دنیا رو به افزایش است، اعلام کرد که به زودی «پلیس سایبری یا امنیت فضای تبادل اطلاعات با عنوان اختصاری «افتا» کار خود را در کشور آغاز خواهد کرد.» سردار احمدی مقدم تاکید کرد که «پلیس افتا، علاوه بر شناسایی و برخورد با متخلفان، امنیت کاربران اینترنتی را نیز تامین می‌کند.»

جانشین فرمانده بسیج نیز طی اظهاراتی با اشاره به فعالیت هک‌های بسیجی در فضای اینترنت تحت عنوان «لشگر سایبری» تایید کرد که حملات اینترنتی به سایت‌های مخالف و منتقد حکومت اسلامی از سوی این نهاد نظامی انجام می‌شود.

سرتیپ پاسدار علی فضلی، با تاکید بر این که «هک‌های بسیجی به سایت‌های دشمنان انقلاب اسلامی حمله می‌کنند»، گفت: «همان‌طور که به ما حمله سایبری می‌شود لشگر سایبری ما هم که شامل متخصصینی از بسیج اساتید، دانش‌جویی، طلاب و حتی بسیج خواهران است به سایت‌های دشمن حمله وارد می‌کنند.»

جانشین فرمانده بسیج با اشاره به این که «معاونت فن‌آوری و اطلاعات سازمان بسیج در حوزه سایبر و مقابله با جنگ نرم گام‌های اساسی را برداشته است»، در ادامه اضافه کرد که «در حوزه سایبر ما بدون اتکا به توان بسیجیان قادر به رصد کردن و مقابله جدی با دشمنانمان نبودیم.»

فرمانده سابق سپاه سیدالشهدا تهران، با بیان این که هیچ دفاعی بدون هجوم معنی ندارد، همچنین افزود: «با توجه به این که عرصه جنگ به ویژه جنگ سایبری دو طرفه است بنابراین، دفاعی موفق است که همه‌ای توام با فکر، اندیشه و برنامه داشته باشد.»

علی فضلی، درباره حضور بسیج در عرصه جنگ سایبری، در حالی بیان می‌شود که روز ۱۸ بهمن ماه ۸۹ نیز محمدعلی جعفری، فرمانده کل سپاه فعالیت‌های اینترنتی سپاه و هک‌های

بسیجی را تحت عنوان «ارتش سایبری سپاه» تایید کرده و گفته است: «این ارتش صحنه‌ای است که نیاز امروز دفاعی، امنیتی، سیاسی، فرهنگی در فضای مجازی است که بسیاری از کشورها از آن استفاده می‌کنند.»

محمدعلی جعفری، همچنین ادعا کرده است: «سپاه با توجه به توانمندی‌های خود به ویژه متخصصین بسیجی در این صحنه حضور دارد و با توجه به اتصال ما به بسیج و نیروهای انقلاب هیچ محدودیتی در مورد تعداد نیروهای متخصص در جنگ سایبری نداریم و به طور گسترده از این نیروها استفاده می‌کنیم و علت موفقیت سپاه نیز استفاده از این نیروهاست.»

همچنین سرتیپ پاسدار غلامرضا جلالی، رئیس سازمان پدافند غیرعامل کشور، از تشکیل «قرارگاه جنگ سایبری» خبر داده و گفته است: «خبر خوشی که می‌توانم به همه مردم ایران بدهم این است که به زودی قرارگاه جنگ سایبری جمهوری اسلامی ایران در زیر مجموعه سازمان پدافند غیرعامل کشور راه اندازی شده و با قدرت فراوان در مسایل اینترنتی و جنگ سایبری با دشمنان مقابله خواهد کرد.»



او، در ادامه اظهاراتش از هک‌ها دعوت به همکاری کرده و گفته بود: «در خصوص بحث سایبر ما از حضور فعال هک‌هایی که با حسن‌نیت و فعالیت انقلابی بخواهند در راستای اهداف جمهوری اسلامی فعالیت کنند استقبال می‌کنیم اما به آن دسته هک‌هایی که با اهداف پلید می‌خواهند به مردم ضربه بزنند هشدار می‌دهیم که فعالیت‌های آنان را رصد می‌کنیم و به شدت با آنان برخورد می‌کنیم.»

غلامرضا جلالی، درباره دلایل احداث چنین قرارگاهی نیز گفته است: «قبل از حوادث سال گذشته برخی از مسئولین در خصوص هشدارهای ما برای امنیت فضای سایبر به صورت انفعالی عمل می‌کردند و قبول نداشتند که فضای سایبر می‌تواند به عنوان خاکریز اول نبرد دشمن تبدیل شود اما با اتفاقات سال گذشته به خوبی نشان داده شد که امروز دنیا روی جنگ سایبری تمرکز کرده است.»

این همه اظهارات و ادعاهای مقامات سپاه و بسیج، در حالی است که این دو ارگان نظامی با توجه به طرح آیت‌الله خامنه‌ای، درباره مقابله با جنگ نرم در نیمه مرداد ماه سال ۸۹، دوره‌های آموزش اینترنت و حضور در فضای مجازی را برای

فرماندهان و پرسنل خود برگزار کردند. سرتیپ پاسدار علی محمد نائینی، معاون فرهنگی اجتماعی بسیج درباره اهداف برگزاری این دوره‌ها گفته است: «هدف اصلی این دوره آموزشی، شناخت ظرفیت فضای مجازی، اقدام آفندی و همراه با ابتکار عمل و شبکه‌سازی نیروهای ارزشی جهت تسخیر فضای مجازی است، این دوره در سطوح مختلف در سال جاری و برای بیش از ۲۵۰ هزار نفر در سراسر کشور برگزار خواهد شد و ما باید در این میدان، میدان بازی را تعریف کنیم تا دشمن مجبور به پاسخ‌گویی باشد.»

او، تاکید کرده که «مقام معظم رهبری در نوبت‌های بسیاری بر چرایی و ضرورت و ابعاد این جنگ نرم تاکید کردند و فرمودند که این جنگ حقیقت دارد و این نشان‌دهنده این است که برخی نمی‌بینند و تحلیل درستی ندارند لذا بخشی از کارشناسان و نخبگان و صاحب نظران ما در این حوزه دچار غفلت امنیتی هستند.»

فعالیت سایبری سپاه و بسیج که در حال حاضر فرماندهان سپاه و بسیج، آن را «ارتش سایبری سپاه» عنوان می‌کنند از دو سال پیش و هم‌زمان با دستگیری تعدادی از فعالان اینترنتی در پروژه‌هایی با نام «مضلین» و تاسیس سایتی با نام «گرداب» توسط سپاه پاسداران آغاز و از فروردین ماه سال ۸۸ و با نزدیکتر شدن به زمان دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری با ادعاهای بزرگ و وسیع «جنگ نرم» فرماندهان سپاه پاسداران، فعالیت‌هایش وارد فاز جدیدی شد. ادعاهایی که بخشا کاذب و تنها جنبه تبلیغاتی روانی داشتند.

این وب‌سایت اینترنتی و گردانندگان آن، زیر نظر مرکزی با عنوان «مرکز بررسی جرایم سازمان یافته سپاه» فعالیتش را ادامه داد و هم‌زمان با خیزش مردمی سال ۸۸، سازمان اطلاعات سپاه، این اهداف خود را از طریق کنترل و شناسایی مشخصات اینترنتی فعالان رسانه‌ها در راستای دستگیری و بازداشت آنان دنبال می‌کند.

سایت گرداب و گروه هک‌های آن تحت نظر مرکز بررسی جرایم سازمان یافته سپاه، به هک و هجوم به سایت‌های منتقد و مخالف حکومت در داخل و خارج از کشور مشغول بودند. برای نخستین‌بار سرتیپ پاسدار ابراهیم جباری، فرمانده وقت سپاه علی ابن ابی‌طالب قم، در ۳۰ اردیبهشت ماه سال ۸۹، به طور رسمی از تشکیل و آغاز به کار ارتش سایبری سپاه پاسداران خبر داد. ابراهیم جباری که هم‌اکنون فرماندهی سپاه «ولی امر» تیم ویژه سپاه برای حفاظت از خامنه‌ای را برعهده دارد، در این‌باره مدعی شده بود: «سپاه موفق به تشکیل يك ارتش سایبری شده است و امروز ارتش سایبری سپاه دومین ارتش سایبری در دنیا است.»

او، با این ادعا که «دشمنان برای ضربه زدن به کيان اسلامی از راه‌های مختلف در

جنگ اینترنتی... بهرام رحمانی

حال تلاش هستند»، تاکید کرده بود که «یکی از این راه‌ها فعالیت در فضای سایبری است که ارتش سایبری سپاه با قدرت در این فضا وارد شده است و جلوی تخریب نظام فرهنگی و اجتماعی کشور را می‌گیرد.»

ارتش سایبری، مورد اشاره سرتیپ پاسدار ابراهیم جباری که تحت نظر سازمان اطلاعات سپاه پاسداران و با هماهنگی و همراهی چندین نهاد و وزارتخانه مانند وزارت اطلاعات، وزارت ارشاد اسلامی، دادستانی کل کشور، دادستانی تهران، صدا و سیما جمهوری اسلامی و نیروی انتظامی فعالیت می‌کند، علاوه بر هک و هجوم به سایت‌های اینترنتی منتقدان و مخالفان در کار دستگیری فعالان اینترنتی نیز فعالیت دارد.

از جمله در اسفند ماه سال ۸۸، فردی موسوم به «صادقی» مدیر مرکز جرایم سازمان یافته سپاه، اعلام کرد که «موفق به شناسایی و دستگیری ۳۰ نفر از فعالان رسانه‌ای و اینترنتی شده است که در زمینه‌های حقوق بشری و ساخت و توزیع فیلتر شکن فعالیت می‌کردند.» سایت گرداب نیز خبر داده بود که تیم اداره‌کننده این سایت موفق شده‌اند ۲۹ سایت اینترنتی را در همین راستا هک کنند.

آخرین اقدام هک‌های حکومت اسلامی ایران

یک شرکت فعال در زمینه امنیت اینترنت، از دست‌یابی هک‌های حکومت اسلامی ایران به گواهی دیجیتال خدمات پست الکترونیکی یاهو و گوگل و دیگر نرم افزارهای ارتباطی مانند اسکایپ خبر داده است.

شرکت کمودو در نیوجرسی آمریکا که در زمینه صدور گواهی دیجیتال فعالیت می‌کند، اعلام کرده است هک‌هایی از داخل ایران توانسته‌اند با رخنه به درون سایت یکی از واحدهای اروپایی این شرکت، گواهی دیجیتال سایت‌هایی مانند جی‌میل، یاهو، اسکایپ و مرورگر فایرفاکس را جعل کنند.

کمودو، با اشاره به آدرس اینترنتی هکرها و نوع تمرکز حملات آنها احتمال می‌دهد این حمله از سوی حکومت اسلامی ایران و برای به دست آوردن نام کاربری و کلمه عبور ای میل شهروندان این کشور انجام شده باشد.

گواهی دیجیتال (Digital Certificate) سندی الکترونیک است که به کاربران اطمینان می‌دهد تبادل اطلاعات بین مرورگر آنها و سرور سایت مورد رجوع رمزگذاری شده است و شخص

سومی به آن دسترسی ندارد.

حمله مورد اشاره کمودو در بیست و پنجم مارس ۲۰۱۱، انجام شده و این شرکت پس از کشف این موضوع، گواهی‌های جعل شده را باطل کرده است.

جعل گواهی دیجیتال سایت‌های اینترنتی به دولت‌ها اجازه می‌دهد با تغییر مسیر ترافیک آنلاین، به مکاتبات الکترونیک آنها دسترسی پیدا کنند. از سوی دیگر، جعل گواهی دیجیتال مرورگرهای اینترنتی به هکرها اجازه می‌دهد در فعالیت آنلاین کاربران جاسوسی کنند.

هنوز معلوم نیست اطلاعات کاربری چه تعداد از شهروندان ایرانی دزدیده شده است. فایرفاکس و گوگل از ارتقای مرورگرهای خود برای شناسایی گواهی‌های جعلی مورد نظر خبر داده‌اند.

شرکت مایکروسافت هم به روزرسانی‌هایی را انجام داده است و از کاربران خواسته هر چه زودتر مرورگرهای خود را به روزرسانی کنند.

روز شنبه ششم فروردین ۱۳۹۰ فردی که خود را «هکر کمودو» می‌نامید، ضمن انتشار پیامی، خبر هک و احاطه امنیتی بر یک شرکت ارائه خدمات امنیتی اینترنت در ایتالیا را منتشر کرد.

این حملات ظاهرا یک روز پیش از انتشار پیام نخست، یعنی جمعه پنجم فروردین ماه صورت گرفته بودند. فردی که خود را جوانی ۲۱ ساله و «فدایی رهبر جمهوری اسلامی ایران» می‌خواند با انتشار سه پیام دیگر تا دوشنبه ۸ فروردین جزئیات بیش-تری از رخنه و سرقت ۹ گواهینامه امنیتی دیجیتال صادر شده از سوی شرکت امنیت سایبری کمودو را منتشر کرد. ۹ گواهینامه سرقت شده از کمودو می‌توانستند مشخصا برای جعل رمزگذاری هفت مورد ارتباطات ایمن زیر مورد استفاده قرار گیرند:

جی‌میل (mail.google.com)؛

هات‌میل (login.live.com)؛

گوگل (www.google.com)؛ سه

گواهینامه امنیتی سایت (login.yahoo.com)،

اسکایپ (login.skype.com)، افزونه‌های

فایرفاکس (addons.mozilla.org)، و احتمالا

رمزگذاری داخل یک سخت‌افزار گلوبال

تراستی (Trustee Global).

فردی که گواهینامه‌های امن شرکت کمودو را ربوده است برای مدت زمانی بسیار کوتاه می‌تواند داده‌های کاربران ایمیل، اسکایپ و یا مسنجر را دریافت، رمزگشایی، مجددا رمزگذاری و مثلا برای گوگل ارسال نماید.

متخصصین اعلام کرده‌اند بر خلاف هیاهوی تبلیغاتی سایت‌های نزدیک به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، اساسا رخنه و نفوذ به سرورهای نظیر یاهو، اسکایپ و یا جی‌میل، هدف این حملات نبوده و مهاجمان نیز قطعاً توان فنی رخنه در سرویس‌های فوق را هرگز نداشته و ندارند؛ چرا که نومیدانه مجبور به جعل گواهینامه‌های تقلبی

و نصب شوند با استفاده از شیوه موسوم به «ارتباط ربایی» (یا فرد واسطه) آن هم با اطلاع از عمر چند دقیقه‌ای این گواهینامه‌ها شده‌اند.

شرکت کمودو و دیگر تحلیلگران جنگ‌های سایبری، بلافاصله انگشت اتهام را به سوی حکومت اسلامی ایران و ارتش سایبری نشانه رفتند. چرا که گفته می‌شود به دست آوردن گواهینامه امنیتی دیجیتال حتی برای هکرها کار سختی نیست. ولی فقط با همکاری مخابرات در سطح کشوری می‌توان با گواهینامه امنیتی کاری کرد آن هم تا زمانی که گواهینامه اعتبار داشته باشد، یعنی شاید چند دقیقه.

بنابراین، جنبه‌های روانی اقدامات «ارتش سایبری»، برای سران و مقامات حکومت اسلامی حائز اهمیت است و دایره عمل آن-ها، فقط به ایجاد اختلال در ارتباطات اینترنتی با سوءاستفاده از انحصار حکومت بر شبکه مخابراتی با هدف انتشار شایعات و ایجاد جنگ روانی در جامعه است که بیش-تر جنبه تبلیغی دارد تا تاثیر عینی و واقعی. اما در عین حال نباید دشمن را دست‌کم گرفت. بنابراین، باید اقدامات امنیتی ضروری را در هر شرایطی رعایت کرد.

جمع بندی

بحران فرهنگی در کشور، به حدی عمیق‌تر شده است که حتی رسانه‌های دولتی و نیمه دولتی نیز به آن اقرار می‌کنند. پایین بودن تیراژ کتاب و خوانندگان آن و کاهش بینندگان سالن‌های سینما، با کاهش شدید مخاطبان روزنامه‌ها به اوج رسیده است.

در آمارها آمده است که هم‌اکنون روزنامه‌های بسیاری در کشور با وجود امتیاز سراسری تنها در تهران پخش می‌شوند و این یعنی تیراژی کمتر از شش هزار تا ده هزار نسخه که آن هم با توجه به وضعیت دهک‌های روزنامه‌فروشی، بیش‌تر آن جزو بازگشتی‌های موسسات مطبوعاتی است.

امروز بسیاری از مقالات، تحقیقات، داستان‌ها، اشعار، نشریات در اینترنت منتشر می‌شوند، برخلاف رسانه‌های نوشتاری، تصویری و شنیداری، قابل کنترل نیستند و به همین دلیل با وجود این که حکومت اسلامی، با اختصاص بودجه‌های کلان و به کارگیری متخصصین درجهت سانسور اینترنتی، در عمل ناکام مانده است.

حکومت اسلامی ایران، در سال‌های اخیر، بودجه‌های کلانی را صرف خرید تجهیزات لازم برای کنترل و سانسور اینترنت کرده است. حکومت اسلامی، برای اعمال فشار و سانسور گسترده بر فضای سایبر و کاربران منتقد و مخالف، تجهیزات لازم را از چین وارد کرده و در زمینه سانسور اینترنت، همکاری‌های گسترده‌ای بین دو کشور برقرار است.

توسعه شبکه اینترنت در ایران و پخش برنامه‌های فرهنگی، سیاسی و صفحه 6

جنگ اینترنتی... بهرام رحمانی

اجتماعی وسیع کانال‌های تلویزیونی با گرایش‌های مختلف به ایران، شکست انحصار رسانه‌های دولتی را علما به اثبات رسانده‌اند. برخلاف گذشته که این ابزارهای تبلیغی محدود به مناطق مرفه‌ترین شهری بود، اکنون تمامی کشور را در بر گرفته است به طوری که روستاها نیز از رسانه‌های جدید استفاده می‌کنند و سانسور دولتی و مقابله فیزیکی و سخت‌افزاری آن با این حد از توسعه رسانه‌های جدید تقریباً غیرممکن شده است. بنابراین، جامعه ما تحولات گسترده و شکاف‌های عمده فرهنگی، سیاسی، اجتماعی؛ جنسیتی و ملیتی و زبانی را از سر می‌گذراند. چنین تحولاتی رو به پیش هستند و کنترل آن‌ها نیز برای دولت، چندان ساده نمی‌باشد. در واقع از میان رفتن انحصار رسانه‌های دولتی، عموماً به نفع جامعه است. زیرا رسانه‌های مخالف حکومت، مخاطبان بیشتری پیدا می‌کنند و امکان بیشتری را برای مخاطبان جهت انتخاب فراهم می‌نمایند.

با آمدن اینترنت و ماهواره و گسترش وسایل استفاده از این امکانات، عرصه‌هایی چون خبررسانی و آگاهی از افکار و آراء گوناگون و غیره، از انحصار پیشین دولتی خارج شده‌اند و نقش اصلی و مهمی را در اطلاع‌رسانی، تحلیل، تولید و انتقال ارزش‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی به مردم ایران را ایفا می‌کنند.

بی‌شک، ادامه این وضع و با گسترش بیشتر رسانه‌های ارتباط جمعی منتقد و مخالف حکومت، موجب افزایش هر چه بیشتر شکاف‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی موجود خواهد شد. هم‌اکنون نیز وضعیت جدیدی در کشور پدید آمده که به ویژه نیروی جوان، با افکار و ایدئولوژی کهنه و خرافی حکومت و با اهداف و سیاست‌های آن، شدیداً مخالفت می‌ورزند. در چنین شرایطی، سران و مقامات حکومت اسلامی، همچنان این تصور باطل را دارند که با راه‌انداختن رعب و وحشت در جامعه، دانشگاه‌ها، مدارس، کارخانه‌ها، خیابان‌ها، زندان و اعدام فعالین عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، برخورد‌های فیزیکی و سخت‌افزاری از قبیل جمع‌آوری دیش‌های ماهواره‌ای، پارازیت انداختن بر روی برنامه‌های تلویزیونی و رادیویی، بستن سایت‌های اینترنتی و کاهش سرعت اینترنت و امثال این‌ها، موانعی بر سر راه پیشروی تحولات پرشتاب ایجاد کند و با صرف هزینه‌های کلان، موقعیت کنونی خود را حفظ نماید. در حالی که اکثریت مردم ایران، به ویژه نیروی

جوان نه اعتمادی به رسانه‌های دولتی و نه به سیاست‌ها و اهداف و ایدئولوژی آن دارند. این اکثریت، تشنه آزادی، برابری، رفاه و آرامش هستند و برای برکناری حکومت اسلامی لحظه شماری می‌کنند.

تحولات اخیر منطقه از تونس تا سوریه، از لیبی تا مصر نیز سبب شده است که بار دیگر، مردم آزاده و خواهان تحول به قدرت و مبارزه متحدانه خود در راه رهایی باور بیشتری داشته باشند؛ به ویژه این که خود مردم ایران، در مبارزه دو سال اخیر خود، تجارب ارزنده‌ای کسب کرده است. همه این تغییر و تحولات جهان، منطقه و ایران، به سادگی نشان می‌دهند که دوران همه حکومت‌های مستبد، از جمله حکومت اسلامی، به سر آمده است. این را سران و مقامات و تئوریسین‌های حکومت اسلامی نیز بهتر می‌دانند که آینده‌ای ندارند. بنابراین، به زودی جامعه ما و جهان، شاهد خیزش جدید مردمی در ایران نیز خواهد بود. باید دید که آیا این‌بار حکومت اسلامی، در مقابله با این خیزش، الگوی تونس و یا الگوی لیبی را اتخاذ خواهد کرد؟!

در الگوی تونس، بن‌علی رییس جمهور این کشور، با فشار مبارزه مردم به عربستان فرار کرد و با سرنگونی دولت او، زندانیان سیاسی، رسانه‌ها، نهادهای دموکراتیک و احزاب و سازمان‌های سیاسی و غیره آزاد شدند؛ تبعیدیان نیز به کشورشان برگشتند و در حال ساختن جامعه شان با معیارها و ارزش‌های فرهنگی، سیاسی، انسانی و اجتماعی نوینی هستند. اما در نمونه لیبی، سرهنگ قذافی همچون برادرانشان سیدعلی خامنه‌ای و احمدی‌نژاد، بی‌رحمانه دست به کشتار مردم زد و فضایی به وجود آورد که دولت‌های غربی نیز در راستای منافع اقتصادی و سیاسی و نظامی‌شان، این کشور را زیر موشک باران و بمباران‌های هوایی بگیرند. شاید هم آینده مردم لیبی، شبیه فجایع انسانی در عراق و افغانستان خواهد شد. در هر حال کمترین روزنه‌ای برای بقای حاکمیت قذافی و حتی خودش نیز باقی نمانده است. باید دید که سران حکومت اسلامی، کدام یک از این الگوها را در مواجهه با خیزش مردمی در پیش خواهند گرفت؟

البته ناگفته نماند که هر کشوری ویژگی‌های خاص خودش را دارد و نمی‌توان از مبارزه و تحولات مردم این و یا آن کشور کاملاً الگوبرداری کرد و اگر هم باشد نسبی است. جنبش‌های اجتماعی و گرایش‌های سیاسی که در جهت تغییر جامعه ایران، در داخل و خارج کشور مبارزه می‌کنند متأسفانه چنین جنبش‌هایی در لیبی وجود ندارند و یا نقش بسیار کم‌رنگی دارند. بنابراین، به احتمال قوی جامعه ایران اجازه نخواهد داد حکومت اسلامی و رقبای بین‌المللی‌اش، فاجعه لیبی را در ایران نیز تکرار کنند.



اطلاعیه کانون نویسندگان

سال گذشته، سال ایجاد فشار و محدودیت برای دبیران کانون نویسندگان ایران و زندانی کردن دو تن از آنان، رضا خندان و فریبرز رئیس دانا بود.

سال گذشته، سال سرکوب مبارزات زنان و به ویژه هجوم وحشیانه به مبارزات آنان در هشت مارس امسال بود که طی آن بسیاری از این زنان مبارز دستگیر شدند.

سال گذشته، سال اعمال فشار به دانش‌جویان و اخراج، دستگیری و محکوم کردن آنان به زندان‌های دراز مدت و اعدام بود.

سال گذشته، سال اعدام‌های بی‌شماری بود که صدای اعتراض مردم را در ایران و جهان بلند کرد و آخرین نمونه آن همین هفته گذشته در زندان غزل حصار رخ داد که در پی اعتراض زندانیان به این اعدام‌ها، بسیاری از این انسان‌های بی‌دفاع را به رگبار گلوله بستند و مطابق اخباری که تاکنون به بیرون رسیده بیش از ۱۵۰ نفر را در این زندان کشته و زخمی کردند.

در واقع سال گذشته، هیچ قشر و طبقه اجتماعی در ایران از هجوم و سرکوب رژیم پلید جمهوری اسلامی در امان نماند.

اما در برابر این هجوم و سرکوب، مقاومت و مبارزه مردم نیز ادامه یافت و جهان و جامعه ما شاهد مبارزات شوکه‌کننده بودند. سالی که برای نمونه، اعتراض به اعدام چنان ابعاد گسترده‌ای در جامعه یافت که اعتصاب عظیم مردم کردستان را سبب شد.

اعتراض به اعدام در ایران تنها از سوی مردم ایران به عمل نیامد؛ بلکه بازتاب جهانی یافت و بسیاری از نهادهای انسان‌دوست و مردمی جهان در این راستا رژیم جمهوری اسلامی را به خاطر انبوه بی‌مانند اعدام محکوم کردند.

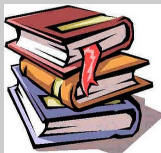
سال گذشته، در عین حال سال تغییر و تحول و انقلاب در تمام منطقه خاورمیانه و آفریقا بود و بسیاری از دیکتاتورهای مشابه رژیم جمهوری اسلامی، اریکه قدرت را ترک کردند و نوید ایجاد یک دنیای بهتر در این کشورها ظنین گسترده‌ای یافت که هم‌اکنون نیز ادامه دارد.

مبارزه مردم ایران در کنار مبارزه مردم کشورهای پیرامونی، نوید یک زندگی تازه را برای مردم این مناطق سر داده است که با فرارسیدن طلایه‌های بهاری جان تازه آن می‌درخشد.

سال نو و نوروز مبارک باد!

کانون نویسندگان ایران (در تبعید)، امید دارد که مبارزات مردم ایران نیز مانند مبارزات جاری در منطقه نتایج امیدبخش خود را به نمایش بگذارد و نمونه‌ای برای رسیدن به دنیای بهتر در این منطقه از جهان باشد.

کانون نویسندگان ایران در تبعید
اول فروردین ۱۳۹۰ خورشیدی



شادباش نوروزی کانون نویسندگان ایران

احساس می‌کنم
در بدترین دقایق این شام مرگزی
چندین هزار چشمه خورشید
در دلم

می‌جوشد از یقین؛

بهار یادآور سنتی خجسته در میان آدمیان است. برون‌رفت از رخوت و نومیدی و سرمای ملال‌انگیز درخود فروبرنده، و خوشامد به گرما و جوش و خروش شادی‌بخش زندگی. ما این سنت مبارک و هم‌زمانی آن با آغاز سال نو را همواره پاس داشته‌ایم و چنین بود که سال پیش در چنین روزی امید بستیم که سال پیش رو به از سالیان گذشته باشد. اکنون که این سال را واپس نهاده‌ایم، روستا اگر به این گذشته بنگریم و بپرسیم آیا آن امید واهی نبود؟ بی‌گمان نه!

سال گذشته البته سال تشدید سانسور و محدودیت بیش از پیش آزادی بیان، سال تداوم بازداشت فعالان اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و کارگری و صدور احکام سنگین زندان برای آنان و حتی برای وکلا و سینماگران بود، سال وفور اعدام برای ایجاد رعب و وحشت، سال ممانعت از فعالیت برخی از ناشران، سال رکود فرهنگی و تعطیل شدن بعضی از کتابفروشی‌ها، سال تکرار جلوگیری از برگزاری مجمع عمومی کانون نویسندگان ایران و باز هم جلوگیری از مراسم بزرگداشت جان‌باختگان راه آزادی، و سرانجام سال بازداشت برخی از اعضای کانون و بازجویی و تشکیل پرونده برای برخی دیگر، و همه با هدف قتل کردن این نهاد دیرینه سال نویسندگان آزادی‌خواه ایران. با این همه، نفس تشدید سانسور و محدودیت آزادی بیان چه چیزی را نشان می‌دهد جز رساتر شدن فریاد مخالفت با سانسور و مبارزه برای آزادی بیان؟ هر جا فشار هست، مقاومت هم هست. لاید زنان و دانشجویان و کارگران و روشن‌فکران آزادی‌خواه در زمینه‌های گوناگون اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی برای آزادی و در گام نخست برای حقوق انسانی خود مبارزه می‌کرده‌اند که بازداشت و به زندان محکوم شده‌اند. نفس سرکوب، بیان‌گر گرایش انسان به آزادی است و همین گرایش فرخنده است که انسان را به آینده امیدوار می‌کند، به ویژه اکنون که بر بستر برآمد زیبا و بالابند مبارزات آزادی‌خواهانه مردم کشورهای دور و نزدیک اعتلای آن را در جاهای دیگر نیز می‌توان دید.

کانون نویسندگان ایران فرارسیدن بهار و

نوروز را شادباش می‌گوید و امیدوار است که سال آینده سال حرکت بیش از پیش مردم به سوی شادی و آزادی و بهروزی باشد.

کانون نویسندگان ایران
۲۸ اسفند ۱۳۸۹



اعتراض فرهنگ‌ورزان ترکیه...

سازمان امنیت و همکاری اروپا (OSCE) نیز با تقبیح محدودیت‌های اینترنتی ترکیه، دولت این کشور را به رفع محدودیت‌های موجود برای دسترسی به برخی از وب‌سایت‌ها از جمله یوتیوب گوگل فراهخوانده است.

از دید گزارشگران بدون مرز، آزادی مطبوعات در ترکیه هر روز محدودتر می‌شود. تنها در ۴ هفته اخیر ۶ روزنامه‌نگار و نویسنده تعقیب و محاکمه شده‌اند. بیش از همه روزنامه‌نگاران زیر فشارند که به طرح مسائل کردها می‌پردازند.

روزنامه‌نگاران و نویسندگان ترکیه، آن‌طور که سازمان گزارشگران بدون مرز می‌نویسد، همه زیر پوشش «مبارزه با تروریسم» تحت تعقیب قرار گرفته‌اند. این سازمان، ضمن انتقاد از قانون مبارزه با تروریسم، که از ۲۰ سال پیش در ترکیه جاری است، اعلام می‌کند که این قانون، به عنوان «حربه‌ای برنده علیه روزنامه‌نگاری» مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرد که می‌کوشند مسائل اقلیت‌های قومی را در ترکیه بررسی کنند.

سازمان گزارشگران بدون مرز در گزارش خود از دولت ترکیه خواسته است که قانون مبارزه با تروریسم را اصلاح کند. این اصلاح باید به گونه‌ای باشد که نتواند برای تعقیب روزنامه‌نگاران منتقد و مستقل مورد تفسیرهای دل‌په‌خواه و سوء استفاده قرار گیرد.

سازمان گزارشگران بدون مرز، در قانون جزایی ترکیه ۲۵ ماده یافته که به طور مستقیم آزادی مطبوعات و عقیده را محدود می‌کنند. قانون مبارزه با تروریسم که از سال ۱۹۹۱ ضمانت اجرایی یافته، مشکل‌آفرین‌ترین قاعده حقوقی در ترکیه است.

در تازه‌ترین مورد، روز ۲۴ مارس ۲۰۱۱-۴ فروردین ۱۳۸۹، سردبیر و یک نویسنده روزنامه «بیرگون»، به استناد ماده ۶ قانون مبارزه با تروریسم محکوم شدند. این روزنامه در ماه اوت سال ۲۰۰۸ مصاحبه‌ای با یکی از رهبران سازمان «پکک» را منتشر کرده بود. انجام‌دهنده مصاحبه به ده ماه زندان و سردبیر روزنامه به پرداخت ۱۶۰۰ یورو جریمه محکوم شدند.

در روز ۲۱ مارس، هم‌زمان با برگزاری جشن نوروز در کردستان نیز نجیب کاپراز، همکار یک روزنامه محلی، همراه با ده نفر دیگر در شهر هکاری دستگیر شدند. در همین روز بنیامین هیلر، خبرنگار عکاس آلمانی، همراه با مترجم ترک خود پس از شرکت در یک برنامه

«حزب صلح و دموکراسی» کردستان در دیاربکر دستگیر شدند. اتهام عکاس آلمانی عکس‌برداری از درگیری‌هایی بود که در حاشیه این برنامه میان کردها و پلیس روی داده بود.

قانون مبارزه با تروریسم، در روز ۱۲ آوریل ۲۰ سال پیش تصویب شده است. به همین مناسبت، سازمان گزارشگران بدون مرز، تصمیم گرفته است در روز ۱۲ آوریل امسال در ترکیه به جمع‌آوری امضا برای اصلاح این قانون بپردازد.

بر اساس آمارها، از جمعیت بیش از ۷۰ میلیون نفری ترکیه، حدود ۳۰ میلیون نفر کاربر اینترنت هستند.

هم‌چنین فعالین فرهنگی، سیاسی و اجتماعی ترکیه‌ای در سوئد نیز ۱۱ مارس در مقابل پارلمان سوئد، آکسیون اعتراض علیه دولت ترکیه، با شعارهایی چون در دفاع از آزادی بیان، قلم و اندیشه، آزادی همه زندانیان سیاسی، به ویژه روزنامه‌نگاران برگزار کردند. سپس نشست نیز در پارلمان سوئد برگزار شد که در آن نخست‌خاتم «پینار سلک»، جامعه‌شناس ترکیه‌ای که پس از تحمل دو سال و نیم زندان، با وثیقه آزاده شده و به دعوت خاتم «آمنه کاکاپاوه»، نماینده پارلمان سوئد از حزب چپ، به این کشور دعوت شده بود درباره وضعیت زندان‌ها، نقض آزادی بیان و حقوق بشر در ترکیه سخن گفت و سپس نماینده پن سوئد، نماینده اتحادیه ژورنالیست‌های سوئد، نماینده گزارشگران بدون مرز نیز سخن در همیستگی با روزنامه‌نگاران زندانی ترکیه و نقش آزادی بیان و حقوق بشر در این کشور، سخن‌رانی کردند.



خاتم پینار، در بخش از سخن‌رانی خود، تاکید کرد با وجود این که اکنون کودکان در قدرت نیستند، اما بسیاری از قوانین ترکیه، همان قوانینی هستند که بعد از کودتای سپتامبر ۱۹۸۰، وضع شده‌اند. وی، در ادامه گفت که تغییر قوانین از بالا، بدون دخالت سازمان‌ها و احزاب سیاسی و همچنین نهادهای دموکراتیک و حرکت‌های سیاسی و اجتماعی از پایین، عموماً به نفع جامعه تحول پیدا نمی‌کنند و این تغییرات، فقط بر روی کاغذ باقی می‌مانند. به گفته پینار، در طول عمر جمهوری ترکیه، همواره قانون اساسی کشور از بالا تغییر کرده و مردم در آن، کوچک‌ترین نقشی نداشته‌اند.

پینار، به نقل از اتحادیه روزنامه‌نگاران ترکیه نیز اعلام کرد که در حال حاضر ۶۸ روزنامه‌نگار در ترکیه زندانی و یا تحت تعقیب هستند. علاوه بر روزنامه‌نگاران زندانی در ترکیه، حدود سی هزار نفر زندانی سیاسی در این کشور وجود دارد.

بودند.

هالوک ساهین، استاد دانشگاه و از روزنامه-نگاران ارشد ترکیه، درباره تظاهرات روز یک-شنبه استانبول گفت، از نظر من، آزادی مطبوعات در ترکیه در خطری جدی قرار گرفته چرا که در حال حاضر، بیش از دو هزار پرونده جهت رسیدگی علیه روزنامه‌نگاران باز شده است و حدود ۶۸ خبرنگار در زندان به سر می‌برند و حسی از رعب و وحشت نیز همه جا را فراگرفته است. روزنامه‌نگاران از این که لب به سخن گشوده و نظرات خود را ابراز کنند، می‌ترسند. ارکان ایبکسی، رییس اتحادیه روزنامه‌نگاران ترکیه و سخن‌گوی تریبون آزادی روزنامه‌نگاران نیز در اظهاراتی گفت، هیچ دلیل منطقی و استدلالی برای به زندان افتادن شصت و هشت روزنامه‌نگار به طور همزمان وجود ندارد. این مساله در یک کشور دموکراتیک قابل توجیه نیست.



همچنین دادگاهی در ترکیه، اسماعیل بیشکچی، نویسنده نامدار ترک را به خاطر نوشتن مقاله‌ای تحت عنوان «گردها و حق تعیین سرنوشت»، به زندان محکوم کرد. به گزارش روزنامه رادیکال چاپ ترکیه، شعبه ۱۱ دادگاه جرائم سنگین در این کشور، با ایراد اتهام «تبلیغ برای یک سازمان تروریستی»، اسماعیل بیشکچی را به یک سال و سه ماه زندان محکوم نموده است. استفاده از کلمه کردستان در مقاله اسماعیل بیشکچی، به جای جنوب شرقی ترکیه از مصداق تبلیغ برای (پاک) عنوان شده است. همچنین مدیر مسئول مجله «حقوق و جامعه» که این مقاله در آن چاپ شده به پرداخت جریمه نقدی محکوم گردید. در تظاهرات دیگری نیز علیه سانسور در استانبول، هزاران نفر شرکت کردند. تظاهرکنندگان، خواستار اصلاح یا لغو قانونی بودند که در نتیجه آن دسترسی به بیش از پنج هزار سایت در ترکیه ممنوع شد. تظاهرکنندگان، برای لغو ممنوعیت وبسایت اشتراک‌گذاری ویدیویی یوتیوب و علیه وزیر حمل و نقل این کشور که عامل ممنوعیت این وب سایت است، شعار دادند. این اعتراض توسط گروهی به نام «برنامه مشترک علیه سانسور اینترنت» که متشکل از ۵۰ سازمان غیردولتی است، سازمان‌دهی شده بود. به گفته یکی از سازمان‌دهندگان این اعتراض، با این که پیش از این نیز نارضایتی نسبت به سانسور اینترنت وجود داشت اما برای نخستین بار است که مردم به خیابان سرازیر می‌شوند.

اعتراض فرهنگ‌ورزان ترکیه به بازداشت روزنامه‌نگاران

روز ۱۴ مارس ۲۰۱۱، در اعتراض به بازداشت روزنامه‌نگاران در ترکیه، تظاهرات بزرگی در استانبول برگزار شد. مدتی‌ست که تنی چند از روزنامه‌نگاران، در ارتباط با آنچه که توطئه کودتا علیه دولت خوانده می‌شود، دستگیر و هم‌اکنون در زندان به سر می‌برند. در رابطه با این بازداشت‌ها، این نگرانی در جامعه ترکیه به وجود آمده است که دولت اسلام‌گرای ترکیه، پیش از برگزاری انتخابات پارلمانی ماه ژوئن ۲۰۱۱، در حال مرعوب کردن روزنامه-نگاران و فرهنگ‌ورزان است.

بازداشت روزنامه‌نگاران موجب شد اتحادیه اروپا به ترکیه درباره اعتبار دموکراتیک آن هشدار دهد. عبدالله گل، رییس جمهور ترکیه، ابراز نگرانی کرد رویدادهای مربوط به این پرونده وجهه آنکارا را تحت‌الشعاع قرار داده است.



به گزارش خبرگزاری فرانسه و روزنامه‌های ترکیه، هزاران روزنامه‌نگار ترک روز یکشنبه ۱۳ مارس، در محکومیت بازداشت همکاران خود به خیابان‌های استانبول ریخته و تظاهرات کردند. این تظاهرات در پی بالاگرفتن نگرانی‌ها در مورد محدودیت‌ها در زمینه آزادی مطبوعات در ترکیه برگزار شده است.

گفتنی است دادگاهی در ترکیه، اخیرا دستور حبس چند روزنامه‌نگار را به اتهام دست داشتن در توطئه‌ای برای ساقط کردن دولت رجب طیب اردوغان صادر کرده است. این حکم در چارچوب تحقیقات دادستانی درباره پرونده موسوم به «ارنگکون» صادر شده که تاکنون به بازداشت نزدیک به چهارصد نفر منجر شده است. روزنامه‌نگاران منتقد می‌گویند، دولت اردوغان از این پرونده برای به سکوت واداشتن آن‌ها استفاده می‌کند.

شرکت کنندگان در تظاهرات استانبول که عمدتا از روزنامه‌نگاران منتقد دولت اسلام‌گرای ترکیه بودند، پلاکاردهایی در دست داشتند که روی آن نوشته شده بود: «روزنامه‌نگاران زندانی را آزاد کنید.»

برخی از تظاهرکنندگان در حرکتی نمادین، دستان خود را با زنجیر بسته و برخی دیگر نیز دهان خود را با چسبی پهن و مشکی بسته

کانون نویسندگان ایران در تبعید برگزار می‌کند

شب شاملو

شاعر بزرگ آزادی

نمایش فیلمی از مسلم منصورى:

«کلام آخر»



همراه با:

سخن احمد نیک آذر: «سینمای

زیرزمینی ایران»

شعرخوانی عباس سماکار: «به یاد

احمد شاملو»

غوغا: اجرای موسیقی هیپ هاپ و

سخن درباره «موسیقی زیرزمینی

ایران»

گفت و شنود با مسلم منصورى درباره

فیلم «کلام آخر»

زمان: غروب جمعه، 8 اپریل

2011، ساعت 18

مکان: استکهلم، آ.ب.اف مرکزی،

طبقه اول، اولاف پالمه سالن

T. Rådmanngatan. ABF - Sveavägen 41

تلفن تماس: (0046)0707474336